

بیشمار پرستی!

ودو گانه پرستی!

ویکتا پرستی!

آقای پور داود در ترجمه‌های خود مندرجات اوستا را با عقیده شخصی خود منطبق ساخته و یک اوستای نو بنیاد و نو ظهور و غیر واقعی؛ به محققان ایرانی عرضه داشته است لذا ترجمه و تفسیرهای او هرگز نمی‌تواند برای محققان سندی باشد.

اوستا منشأ تضاد و تناقض :

بعد از نقل اقوال مختلف درباره عقاید زردشت ، می‌نویسد: « . در اوستا عقیده بر تعدد خدایان مبنی بر طبیعت پرستی یا ناتورا لیسیم Naturulasme و سپس ثنویت ودو گانه پرستی و بالاخره وحدت و یکتا پرستی همه جا جلوه گراست . و این اختلاف در عقاید زردشت در هر یک از جزوات او ستا بلکه در هر فصلی از فصول آن دیده می‌شود . وحدت پرستی وقتی جلوه بیشتر دارد که از خدایان بعبارت «مزدا

باید دید علت این همه اختلافات درباره اصول دین زردشت، در میان دانشمندان از چیست؟ در هر حله نخست منشأ این اختلافات خود «اوستا» است. چه اینکه طبق تحقیقات اوستاشناسان، «اوستا» از سه نوع افکار و عقاید مختلف و متضاد حکایت دارد :

۱- عقیده بر خدایان متعدد ۲- ثنوی پرستی ۳- یگانه پرستی .

دانشمند فرانسوی دکتر «دهارلز De. Harlez»

آفریده، یا مزدااتا Mazda - Dhata تعبیر می شود و این وحدت پرستی در کتاب «گاتها» عمومیت دارد اما کتاب «وندیداده» ازدو پرستی و ثنوی بودن زرتشت و فصول «یسنه» از طبیعت پرستی وی حکایت میکند. پرستش خدایان متعدد در «یشتها» بیشتر جلوه گرفته است» (۱).

البته از آنجائیکه جزوات اوستا مربوط به زمان واحد و یا شخص واحد و یاهیشی از نویسندگان نیست بلکه این کتاب پراکنده در زمانهای مختلف و شرایط متفاوت بوسیله نویسندگان متعدد فراهم شده است. لذا تضاد و تناقض در آن حتمی است.

اما وحدت پرستی بطور ضعیف فقط از «گاتها» استفاده می شود. طبق مندرجات «گاتها» اهورا - مزدا به بزرگی و عظمت یاد شده و نسبت بخدایان دیگر یکنوع بزرگی و برتری دارد اینک جملاتی چند در این باره از «گاتها» می آوریم: «اهورمزدا آنکسی است که بزرگتر از همه است» (۲) «از همه کس داناتر و داور و دادگر» (۳) «خدای دانا و آئین ستایش (۴)» «کسی که در روز نخست به وسیله خرد خویش آدمیان و نیروی اندیشه و وجدان آفرید و به مردمان نیروی اراده بخشید» (۵) «کسی است که وی را به همه کس پیروزی است» (۶) «او بزرگتر از همه است و خیر خواه مخلوقات است و نیایش آنان را هیچ گاه از نظر دور نخواهد داشت» (۷) «او ست خرد کل جهان، پدر راستی» (۸) این چند جمله هر چند صراحت در یگانگی پرستی زردشت ندارد ولی به توحید از ثنویت و شرک نزدیکتر است.

دانشمندان که درباره عقاید زردشت اظهار نظر کرده اند طبق سلیقه و نیت خاصی که دارند قوی را انتخاب نموده و هر باب و فقره و جمله ای را که برخلاف نظریه خود دیده اند در صدد تاویل و توجیه و احیاناً تحریف آن برآمده اند و کوشیده اند مطالب این کتاب را به اصل و اساس واحد مربوط سازند.

در صورتیکه این منطق، منطق درستی نیست زیرا از مطالعه در مندرجات اوستا می توان سه نوع عقاید و افکار بدست آورد که هر سه با یکدیگر متخالف و متضاد هستند و محققان بیجهت در صدد برآمده اند هر سه عقیده را در منشأ و اساس واحد تعبیر و تفسیر نمایند.

اگر ما اوستای ساسانی را در این باره ملاک

- ۱ - بنقل: تاریخ اجتماعی ایران: دکتر موسی جوان. ص ۴۲۰
 ۲ - یسنا ۵/۲۸ - ۳ - یسنا ۴/۲۹ - ۴ - بند ششم - ۵ - بند یازدهم - ۶ - بند شانزدهم - ۷ - بند ششم - ۸ - یسنا ۲/۴۷ - ۹ - جملات دیگری هم بهمین سیاق در قسمت «گاتها» می توان یافت: یسنا ۹/۴۶ - بند هفتم - بند هشتم - بند سوم - یسنا ۱۰/۴۹ - یسنا ۱۷/۵۱

سپس اضافه می‌کند : « در صفحه ۲۹ جلد اول کتاب ادبیات مزدیسنا، چنین می‌نویسد : « پس از ظهور زردشت خدای یگانه به اهورامزدا موسوم شده است » همچنین در صفحه ۳۶ همان کتاب می‌نویسد : « زردشت به قوم خود آنچه در بالا و پائین است جمله را یک آفریده و سازنده است و جز او کسی شایسته ستایش نیست » و حال آنکه در کتاب زردشت و حتی در کتب زمان ساسانیان هیچ کجا هر مزبصفت واحد و یگانه توصیف نگشته و همچنین زردشت هیچ کجا قید ننموده که (بجز اهورمزدا کسی شایسته ستایش نیست) بلکه برعکس آن بنام هر یک از خدایان زردشت « یشت » مخصوصی در ستایش و نیایش هر کدام تنظیم یافته است و اکثر جزوات اوستا مشتمل بر این نیایشها و ستایشها میباشد » (۹) « پورداود » برای اینکه « اهورامزدا » را خدای یگانه معرفی کند در اوستا هر کجا از خدایان دیگر زردشت با لفظ یزدان و یزد یاد شده و شاید این لفظ بیش از یکصد مورد در اوستا تکرار شده است، هم‌را به فرشته ! معنی کرده است ، در صورتیکه این واژه در زبان فارسی کنونی و یاد پهلوی ساسانی و زبان اصلی اوستا در ردیف « بئغ » Bagha بمعنی خداوند استعمال شده است . لذا « دارمستتر » - Darmsteter دانشمندان فرانسوی دو لفظ نامبرده را همه جابه واژه Dieu و خداوند ترجمه کرده است (۱۰) حتی خود پورداود نیز در دیباچه کتاب بجای

جمله‌ها را دلیل قاطع و محکم بر مدعای خود گرفته‌اند و تمام جمله‌ها و بندهائیکه در اوستا ، در ثنویت و شرک ، صریح و روشن است ، نادیده انگاشته‌اند حتی در دو فقره از « گاتها » اهریمن در مقابل هر مزقرار گرفته و این دو فقره یسنای سوم فقره ۴ و یسنای دهم فقره ۲ می‌باشد . ثنویت و دو خدائی در این فقرات از « گاتها » نیز جلوه گراست !

« ابراهیم پورداود » ، برای اینکه عقیده شخصی خود را با اوستا منطبق سازد و آن را در فکر خواننده رسوخ دهد ، ترجمه فارسی اوستا را به خلافی رفته است ! چنانکه مؤلف « تاریخ اجتماعی ایران باستان » در تحت عنوان « بی‌اعتمادی ترجمه‌های ابراهیم پورداود از اوستا » می‌نویسد : « ابراهیم پورداود در کتاب ادبیات مزدیسنا و در ترجمه « گاتها » و « یسنا » همه جا هر مز یا اهورمزدا را خداوند یکتا نامیده و خدایان دیگر زردشت را از فرشتگان وی شمرده است و برای اینکه چنین عقیده را با اوستا منطبق سازد لفظ یزدان و « بئغ » را که هر سه در زبان فارسی قدیم و جدید بمعنی خداوند است ، در ترجمه‌های خود گاهی بلفظ فرشته تبدیل کرده و گاهی در بعضی عبارات اوستا الحاقاتی نموده و گاهی معنی عبارات و واژه‌ها را چنان تغییر داده که خواننده تحت تأثیر عقاید مترجم قرار می‌گیرد و از توجه باصل مطلب و مقصود زردشت بازمی‌ماند .»

۹ - تاریخ اجتماعی ایران باستان ص ۳۹۵

۱۰ - رجوع شود ب کتاب « دارمستتر » جلد دوم صفحه ۳۰

فارسی زبان با عقاید شخصی خود منطبق سازد و یک اوستای نو بنیاد و نو ظهور و غیر واقعی به محققان ایرانی عرضه بدارد و راهی را که امثال و آنکتیل دوپرون و دیگر دانشمندان غیر ایرانی در توسعه فرهنگ و ادبیات فارسی پیموده اند در نظر محققان یا دانشجویان ایرانی معکوس و وارونه جلوه دهد ... آقای پورداود در ترجمه‌های فارسی از قاعده اصلی ترجمه منحرف شده و برای هیچک از خوانندگان و محققان فارسی زبان مجال نداده که در تفسیر کتاب زردشت همت گمارند و عقیده‌ای غیر از آنچه وی راجع بدین زردشت بیان داشته اتخاذ کنند و این امر سبب شده که تاکنون از جانب محققان و اوستاشناسان ایرانی در صداتقتاد از گفته‌های پورداود و یاد تفسیر و تحقیق از فلسفه و افکار زرتشت نیامده‌اند. (۲۲) .

بنابر این کسیکه بخواهد واقعاً عقاید زردشت را بدست آورد باید ترجمه و تفسیرهای ناقص و مخدوش آقای پور داود و آنانکه از او تقلید کورکورانه کرده‌اند ، کنار بگذارد تا واقعیت زردشت و آئین مزدیسنی را دریابد .

(دنباله این بحث را در شماره آینده خواهید خواند)

بسم الله ؛ جمله «بنام یزدان بخشنده» بکار برده است ، بنابراین یزدان را بمعنی خدا گرفته است . روی این دلیل و دلائل دیگری که در محل خود ذکر شده است (۱۱) ترجمه‌های فارسی نامبرده ، از جزوات پراکنده خود اوستا ، بی اعتبار تر است و محققان از مراجعه به آنها نمی‌توانند عقاید زردشت را بدست آورند . زیرا در این ترجمه‌ها علاوه بر اینکه حقیقت افکار زردشت و دین ایران باستان منعکس نشده ، خود این ترجمه‌ها و تفسیرها باعث تحریف اوستا هم شده است . متأسفانه اخیراً عده‌ای از استادان و دانشجویان تحت تأثیر افکار خاص او قرار گرفته‌اند و ترجمه‌های او را مدرك اخذ کرده و سخنانی درباره زردشت و آئین او گفته‌اند که دوزخ واقعیت است . روی این اصل مؤلف «تاریخ اجتماعی ایران باستان» بعد از آنکه نمونه‌زیادی از اشتباهات آقای پور داود را در ترجمه‌های اوستا یادآوری نموده ، می‌نویسد: «... این قبیل اشتباهات و خطاهای وی بقدری کثیر و متعدد است که ذکر همه آنها از گنجایش کتاب ما بیرون می‌باشد. منظور پورداود در این ترجمه‌ها این بود که مندرجات اوستا را در نظر خوانندگان

